



این شماره تقدیم می‌شود به
**شهید سردار
محمد پاکپور**



تغییر موازنه در جنگ زیرساخت‌ها

از «چشم در برابر چشم» تا «چشم در برابر سر»

سرمقاله



نبوده و صرفاً برای انحراف عملیاتی ما و کاستن از شدت انتقام حملات به زیرساخت‌ها باشد.

سوم اینکه آمریکا از تأثیر حملات به نفت ایران و انهدام پالایشگاه‌ها و معادن نفتی منطقه بر بازار جهانی آگاه است و تاکنون دست نگه داشته است؛ حتی می‌توان گفت این ترفند برای کشاندن ایران به میز مذاکره جهت حفظ صنعت نفت است، چرا که دشمن مستأصل و بی‌داری، پای میز مذاکره نمی‌نشیند و جنگ را ادامه می‌دهد.

با این مقدمات می‌توان گفت برای اجرای بازی «مرد دیوانه»، افزون بر هدف‌گیری نیروهای آمریکایی در منطقه، باید حملات به فولاد و پتروشیمی را با حمله به «معادن نفت منطقه» پاسخ داد. عربستان بیش از یک‌سوم نفت صادراتی از تنگه‌ی هرمز را تولید می‌کند که تا کنون تولید آن کاهش چندانی نداشته است. ضربه‌ای که از حمله به پالایشگاه «غوار» یا پایانه‌ی صادراتی «راس تنوره» به ایالات متحده و «گاو شیرده» آنان وارد می‌شود، اثرگذارتر است. این رویکرد، در صورت برابری با تخریب شرکت‌های غربی، فشار بر ترامپ را برای خروج از جنگ به شدت افزایش می‌دهد. هنگامی که دشمن درآمد فعلی‌ما را دچار خدشه می‌کند، ما نیز باید علاوه بر انهدام سرمایه‌گذاری‌های آتی او، منابع درآمدی فعلی‌اش را هدف قرار دهیم. ♦

نبود، اما ناگهان همین صنایع هدف قرار گرفتند.

ایران تا پیش از حادثه‌ی عسلویه، سیاست «چشم در برابر چشم» را دنبال می‌کرد، اما پس از انفجار مخازن گازی عسلویه، با هدفی بازدارنده، مخازن و پالایشگاه‌های گازی کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی را به‌مراتب گسترده‌تر هدف قرار داد که به اذعان غالب کارشناسان، اثر بازدارندگی داشت و ترامپ را تلویحاً از ادامه‌ی حملات به مخازن نفتی و گازی منصرف کرد.

با این حال، برای پرهیز از افتادن در تله‌ی دشمن، باید نقشه و قواعد بازی را تغییر داد و قابلیت پیش‌بینی را از او سلب کرد. در این راستا سه نکته حائز اهمیت است:

نخست اینکه باید تصویری دقیق از نقاط حساس دشمن داشت تا ضربات متقابل، سنگین‌تر از خسارات وارده باشد. «اقتصاد»، نقطه‌ی ثقل تمدن سرمایه‌داری غرب و آمریکا است و تمامی تحلیل‌های دشمن بر این محور می‌چرخد. لذا در این جنگ، اگر آمریکا نتواند آزادی کشتیرانی در تنگه‌ی هرمز را تضمین کند، به زعم صاحب‌نظران، بازنده‌ی میدان خواهد بود، چرا که جهان همچنان شاهد افزایش هزینه‌ها خواهد بود.

دوم اینکه احتمال دارد هیاهوی حمله‌ی زمینی، هدف قطعی دشمن

ا باورود جنگ به مرحله‌ی هدف‌گیری زیرساخت‌ها و تکرار تهدیدات از سوی رئیس‌جمهور ایالات متحده، بازخوانی، پیش‌بینی و بازطراحی نقشه‌ی تقابل، اهمیتی دوچندان یافته است. برای درک مقاصد دشمن، پیش از هر چیز باید زبان و واژگان او را به زیر ذره‌بین برد. راهبردهای کلامی رئیس‌جمهور آمریکا را می‌توان در چهار محور خلاصه کرد:

۱. تمجید از دشمن جهت ایجاد غرور کاذب؛
۲. انتساب دروغین تمایل ایران به مذاکره، برای القای قدرت و ایجاد بی‌اعتمادی میان مردم و مسئولان؛
۳. تناقض‌گویی به قصد غیرقابل‌پیش‌بینی جلوه دادن رفتار خود؛
۴. ایجاد «تله‌ی انتظار» برای بستن دست نیروهای مسلح در جهت جلوگیری از تصعید تنش و توسعه‌ی دامنه‌ی جنگ.

این نوشتار بر بررسی یکی از مصادیق مورد چهارم تمرکز دارد. ترامپ با ارائه‌ی مهلت‌های مکرر برای الزام ایران به تسلیم یا توافق، در پی آن است که با بالاترین نگاه داشتن ایران، یا آغازگر مرحله‌ی بعدی جنگ باشد و در صورت پیش‌دستی ایران، او را متهم جلوه دهد، و یا با انحراف تمرکز ایران، از مجرای دیگر ضربه وارد کند؛ چنان‌که در تهدیدهای او و نتایج‌های سختی از تخریب صنایع فولادی و پتروشیمی



محمد جواد
مهدیان
پژوهشگر
گروه تحلیلی پتروپال

اقتصاد سیاسی انرژی

پرونده ویژه

پترودلار و معماری قدرت
در اقتصاد انرژی جهان

بخش دوم

پایان استاندارد طلا و بحران اعتماد به دلار

رصد سیاسی انرژی

تنگه باب‌المندب یکی از مهم‌ترین شریان‌های تجارت جهانی به‌شمار می‌رود. حدود ۶ تا ۷ درصد از نفت خام تجارت‌شده در جهان و نزدیک به ۸ درصد از LNG در یابرد سالانه از این مسیر عبور می‌کند. همچنین حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد از تجارت جهانی گندم و بخش قابل‌توجهی از برنج، ذرت و انواع کودهای شیمیایی میان آسیای جنوبی، خلیج فارس، دریای سیاه، اروپا و شرق آفریقا از این تنگه منتقل می‌شود. بیشترین حجم ترانزیت متعلق به صادرکنندگان حوزه خلیج فارس و تولیدکنندگان LNG قطر و نیز صادرکنندگان غلات دریای سیاه است. شرکت‌های بزرگ کشتیرانی همچون مرسک، MSC، CMA CGM و هاپاگ‌لوید نیز سهم اصلی در عبور کالا از این تنگه دارند. در این چارچوب، اشاره دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در این توثیت را می‌توان تبیینی از پیامدهای احتمالی هرگونه تشدید ناامنی در منطقه دانست؛ از جمله این‌که تداوم حملات امریکایی - اسرائیلی می‌تواند بر امنیت کشتیرانی اثر گذاشته و تبعات جدی برای تجارت جهانی از مسیر باب‌المندب به‌همراه داشته باشد.



محمدباقر قالیباف | MB Ghalibaf
@mb_ghalibaf

X.com

What share of global oil, LNG, wheat, rice, and fertilizer shipments transits the Bab-el-Mandeb Strait?

Which countries and companies account for the highest transit volumes through the strait? 🤔

مخاطبان ادامه یافته است. آنچه در این مدت منتشر شده، حاصل کار جمعی دانشجویانی است که تلاش کرده‌اند مسئولیت علمی خود را در قبال مسائل راهبردی حوزه انرژی جدی بگیرند. امیدواریم این مسیر با همراهی شما کارشناسان و فعالان حوزه انرژی تا پیروزی کامل حق علیه باطل ادامه یابد و «جبهه انرژی» بتواند سهمی هرچند کوچک در ارتقای فهم تحولات این حوزه ایفا کند.

تیم جبهه انرژی

از همین نگاه بود که انتشار «جبهه انرژی» با تلاش جمعی از دانشجویان و پژوهشگران اندیشکده نفت و انرژی، گروه تحلیلی پتروپال و همراهی تعدادی از فعالان این حوزه آغاز شد. هدف ما ساده اما جدی بود: دنبال‌کردن دقیق تحولات مرتبط با حوزه انرژی، ارائه تحلیل‌های تخصصی و کمک به روشن‌تر شدن ابعاد این تحولات برای جامعه کارشناسی.

اکنون با انتشار شماره سی‌ام این نشریه، خوشحالیم که این مسیر با همراهی و حمایت

روزهای ابتدایی جنگ رمضان و رخدادهایی که فضای کشور را تحت تأثیر قرار داد، برای بسیاری از ما نیز با بهت و سردرگمی همراه بود. در شرایطی که تحولات با سرعت پیش می‌رفت، این پرسش برای ما شکل گرفت که نقش یک دانشجو یا پژوهشگر حوزه انرژی در چنین مقطعی چیست. در نگاه نخست شاید تصور می‌شد میدان تحولات جایی دور از فضای تخصصی ماست، اما کمی که گذشت روشن شد هر حوزه‌ای مسئولیت خود را دارد و برای ما این مسئولیت در عرصه تحلیل و تبیین مسائل انرژی معنا پیدا می‌کند.

سخنی با مخاطبان
جبهه انرژی

به مناسبت انتشار
شماره سی‌ام